

آرم سلطنتی ایران

امیر فیض- حقوقدان
پنجشنبه - سه جون ۲۰۱۰
۱۳ خرداد ۲۵۴۹

اقدمت بادا مبارک بر همه آمال ما تابش تصویر تو، برکنده غم از جان ما

درنامه ای که اخیرا از سوی اعلیحضرت به دبیرکل سازمان ملل متحد در رابطه با اعدام های اخیر ارسال شده است، برای اولین بار پس از سالها که استفاده از آرم سلطنتی ایران، بنابر ملاحظات و نظرات شخصی (البته که نه اصولی) منسوخ گردیده بود، مجددا از آرم مزبور در سرکاغذ ارسالی برای سازمان ملل استفاده شده است.

این تحریر درباب علت و آثار استفاده از این آرم است نه کیفیت انتخاب ویا سابقه تاریخی آن. بنابراین این تحریر به این سوال پاسخ می دهد که «چرا در نامه به دبیرکل سازمان ملل از آرم سلطنتی استفاده شده است»

پاسخ می تواند چنین باشد:

زیرا که با ارائه آرم سلطنتی ایران در سرکاغذ، اعتبار نویسنده نامه همراه نامه می شود. برای اینکه آرم سلطنتی، علامت اعتبار ملی و تاریخی وقانونی نویسنده نامه است.

وجود آرم سلطنتی در بالای نامه اعلیحضرت واجد این معنی است که نامه مزبور یک نامه عادی نیست، نامه ای است که بوسیله نهاد سلطنت که ۲۵۰۰ سال سابقه تاریخی و عدالت خواهی ایرانیان را دارد نوشته شده است و درواقع نامه همراه وزنه ای است که نه تنها دبیرکل سازمان ملل را بلکه هر بیننده ای را به تفکر واهمیت و اعتبار آن نامه وامیدارد.

آیا اگر نامه مزبور با آرم سلطنتی ایران نبود ویک نامه سفید ویا سرکاغذی با مارک گل و بلبل ویا سازمان و حزب و غیره بود و اجاد اعتباری می شد که با آرم سلطنتی شده است؟

اعتبار، لازمه موفقیت در هرکاری است چه کار کوچک وچه بزرگ و با اهمیت باشد. انسان ها برای موفقیت حتا بصورت ظاهری و تقلبی هم که شده خودرا در موقعیت اعتباری قرار می دهند.

علایم و آرم ها اعم از سیاسی ویا تجاری و همچنین اسامی شخصیت های حقوق، فقط یک اسم ویا یک آرم و علامت نیست بلکه یک تاریخ و شناسنامه وجودی و حیات سیاسی و گویای کارنامه و سابقه است که مردم با دیدن آن کارنامه و سابقه و حسن شهرت و درجه اعتماد را ارزیابی می کنند.

^۱ - شایسته می بود در آن نامه بجای پشتیبانی و نام بردن چند تن، از کلیت نقض حقوق بشر در رژیم جمهوری اسلامی انتقاد می شد، چرا که در سی سال گذشته هزاران هزار ایرانی به سخیف ترین و وحشیانه ترین وضعی کشته، اعدام، و معدوم و شکنجه شده اند، ولی چنین نامه ای با چنین آرمی به هیچ دستگاہی نوشته نشده است. این جنایات مرتبا در تارنمای با آدرس www.holycrime.com گرد آوری شده است. در نرم سیاسی و پروتوکل های منظم به آن، طرفداری از اشخاص که پرونده آنان از نظر حقوقی نا خوانده و نا آشنا است، شایسته نمی باشد ولی اشاره به کلیت نقض یک امر همگانی بسیار سفارش شده است. همچنان که نام بردن چند نفر نامه به دبیرکل را ضعیف کرده است، اشاره کلی می توانست به آن نیرومندی و استحکام ببخشد. ح-ک

ملاحظه آرم و علامت در سرکاغذها، علامت زنده بودن، فعال بودن است بهمین دلیل است که وقتی شخصیت حقوقی از موقعیتی که دارد ساقط می شود، استفاده از آرم و علامت هم از او سلب می گردد، زیرا علامت و آرم، بیان کننده شخصیت وجودی و حقوقی او است.

امروزه در جهان سیاست و اقتصاد، ملت ها از طریق علامت ملی که همان پرچم و علامت آن است شناخته می شوند و در بیشتر موارد بجای اسم کشور ها فقط علامت و پرچم آن کشور را میگذارند.



مرا داد فرمود و خود داور ست

مردم کشور ها هم به ملاحظه اهمیت و اعتباری که آرم یافته، پیوند سیاسی و اجتماعی خود را با علامت خاصی نشان می دهند بطوری که امروزه تنها افرادی که حیات سیاسی چندانی ندارند و یا وجود اجتماعی آنها در عرض طفیلی است بدون وابستگی به آرم و علامت زندگی می کنند.

قانون ثبت علائم و خودداری از سوء استفاده از علائم و آرم به همین علت است که این وزنه اعتباری مورد سوء استفاده قرار نگیرد.

آرم و علامت سلطنتی ایران قدیمی ترین آرم و علامت درجهان سیاست و کشورداری است و نشانی از تمدن، انسانیت، رعایت حقوق و انصاف و آزادی ادیان است و همه ایرانیان و محققین خارجی به آرم سلطنتی ایران و سیر تاریخی و کرامات و غیرتی که ایرانیان نسبت به آن دارند اتفاق نظر دارند.

حالا حرف حساب:

چرا از آرم سلطنتی که وسیله ارایه تاریخ و هویت ملی ما ایرانیان است و برای ارزشمند و نمایان ساختن اعتبارنامه خطاب به دبیرکل سازمان ملل از آن استفاده شده، از این موهبت و وزنه اعتباری آشنای ملت ایران در راه نجات ایران و مبارزه علیه جمهوری اسلامی استفاده نمی شود؟؟

آیا برای حمایت از چند نفری که بنا بر اظهار (مراد قریلان رئیس کمیته حزب پ-ک-ک در مصاحبه با روزنامه کردی «هاولاتی» گفت این پنج نفر که در ایران اعدام شدند، (چهار)؛ نفرشان عضو رسمی پژاک بوده اند)

استفاده از آرم سلطنتی ایران لازم بوده، ولی برای مبارزه با جمهوری اسلامی و نشان دادن حیات سیاسی و تاریخی هویت ملی ایرانیان، استفاده از آن غیر لازم محسوب می شود؟؟

وقتی از آرم و علامت اختصاصی که متعلق به کسی است، استفاده نشود، بعد از مدتی اعراض محسوب میگردد ولی آرم سلطنتی ایران متعلق به کسی نیست و حق شخصی پادشاه وقت هم نیست که آنرا در چاه اعراض بیاندازد و نه قایل آنکه متصدی سلطنت از آن بعنوان ابزار خاص و در موارد دلخواه استفاده کند. آرم سلطنتی در بردارنده تاریخ و هویت ملی ایرانیان است، تفاوت آن با یک آرم و علامت معمولی کاملاً روشن است.^۲

^۲ - شوربختانه برخی تارنما ها و برخی ایمیل ها و فیلم ها که از سوی افراد معمولی و بدون وابستگی به سلطنت و دربار ایران ساخته و یا پرداخته شده است از این آرم بهره گرفته اند که از نظر قانونی کاری غیر مجاز و قابل تعقیب است. ح-ک

چگونه شد که آرم سلطنتی به کنار گذاشته شد؟

با پیروزی شورشیان، ابلیس لبه تیز حمله به آرم و هرچه نام شاهنشاهی و ایران را داشت آغاز کرد که خود بحث دیگری است که بماند.

واکنش ابلیس نسبت به آرم سلطنتی ایران و پرچم ایران سبب گردید که ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی در خارج از ایران در استفاده و عرضه آرم سلطنتی به فراگیری روی آورند، چنانکه سازمان های سلطنت طلب از آرم سلطنتی بعنوان علامت سازمان خودشان استفاده میکردند.

البته اعلیحضرت و دفترایشان هم با آرم سلطنتی مشخص شده بود. در آن زمان، از سوی علیاحضرت فرح پهلوی اظهار علاقه شد که سازمان ها از آرم سلطنتی استفاده نکنند زیرا که این آرم فقط مختص استفاده سلطنت آنها در مراسم و مواعید خاص است. سلطنت طلبان (البته نه تمام آنها) از این دستور استقبال کردند. متعاقب این دستور، دبیرخانه اعلیحضرت عدم استفاده از آرم را آغاز کرد. که بشدت سبب نگرانی سلطنت طلبان گردید.

ریشه مخالفت با استفاده از آرم سلطنتی:

بختیار وسید احمد مدنی (دریاسالار) که در مصاحبه با مجله جوانان سال ۱۳۵۸ خودش را کارگذار و یار جان برکف امام خمینی نامید و بنابراین اعتراف خودش نیم میلیون دلار آمریکایی هابرای پیروزی در انتخابات او سرمایه گذاری کردند و در خارج از کشور هم چند میلیون دلار (باز به اعتراف خودش) از آمریکایی ها پول دریافت کرد (این اشارات فشرده برای این است که شخصی که اصرار در توقف استفاده از آرم سلطنتی را داشت و دبیرخانه اعلیحضرت هم از اصرار او استقبال کرد چه کثافت و نامردی بوده است).

استدلال بختیار و احمد جان برکف، این بود که رضا پهلوی شاه نیست و یک فرد عادی است و افراد عادی هم حق استفاده از آرم سلطنتی را ندارند و احمد مدنی به اظهارات علیاحضرت هم استناد می کرد، که ایشان فرموده اند که افراد عادی نباید از آرم سلطنتی استفاده کنند.

همینجا این یادآوری تاریخی بجاست که احمد قریشی بود که در گفتگویی با احمد مدنی برای اولین بار اعلام کرد که «ایشان (مقصود اعلیحضرت است) دیگر ادعایی ندارد و یک شخص عادی است».

همان موقع این سرباز در رابطه با عدم استفاده از آرم سلطنتی و استدلال بی پایه بختیار و احمد مدنی نوشتم:

«علیحضرت در مقام تصدی سلطنت به اراده خودشان منصوب نشده اند و حکما به فرمان تاریخ و منش و فرهنگ ایرانی و قانون اساسی به این سمت گمارده شده اند (این برداشت آن روز این جانب همواره مورد تایید اعلیحضرت هم قرار گرفته است. چنین برداشتی، برداشت حقوقی و تاریخی است و خلل ناپذیر است) پس همان جریان تاریخی و قدرت معنوی که استمرار سلطنت و بقای آنرا با انتقال سلطنت به ولیعهد مقرر کرده تداوم حقانیت بکار بستن آرم سلطنتی را هم محفوظ داشته و آنرا لازم و ملزوم دانسته است.

وانگهی اگر سوء نیتی در کار نیست، چرا اظهارات اعلیحضرت و یا احمد قریشی را بر اینکه ایشان یک فرد عادی هستند و یا هستم، باید به مفهوم انتزاع از سلطنت گرفت؟؟ آخوند اعظم هم در فلسفه تشیع یک فرد عادی است، ولی در مقام مرجعیت متصدی ردیف کردن امور تشیع است. آنها هم علامتی دارند که پیوست با تشیع است. انمه هم همین وضع را داشته اند، آنها هم در عین اینکه یک فرد عادی بودند، امامت را هم یدک می کشیدند.

آیه: «اطیعوا الله...» در قرآن هم اولی الامر را که همان پادشاه است، از بین خود مردم دانسته، یعنی پادشاه یک فرد عادی است، دقیقا آنچه که اعلیحضرت عنوان کرده اند.

اعلام ایشان به اینکه یک فرد عادی هستند به هیچوجه به مفهوم حقوقی انتزاع از سلطنت نیست زیرا مقام ایشان انتخابی نبوده که اگر انتخاب نمیکردند و یا رد انتخاب میکردند به یک فرد عادی تبدیل می شدند. نمونه آنرا میتوان در قرآن دید. محمد می گفت: «من بشری هستم مثل شما (انا بشرنا منکم) ولی رسالت خدا را داشت. آیا اظهارات او مبنی بر اینکه یک فرد عادی مثل دیگران است، مسقط حق رسالت او می شد و موضع او را از رسالت جدا ساخت...»

البته وقتی ایشان میفرمایند یک فرد عادی هستم و فرمایشاتی هم می فرمایند که از متصدی سلطنت انتظار نیست و بعضی آثار نامطلوب را پیش می کشد، پرده ای از بی اعتباری بر تداوم سلطنت کشیده می شود ولی البته که این برداشت های عوامانه با برداشت حقوقی و منطقی فاصله زیادی دارد.

این سخن لازم نباشد گفتنش حد تمام مصلحت باشد که این گفته بماند نا تمام.